

روژه لِسکُو، ایران‌شناس فرانسوی

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران و مرکز پژوهشی زبان خارجی)

روژه لِسکُو^۱، ایران‌شناس بنام فرانسوی (۱۹۱۴-۴ فوریه ۱۹۷۵) به تحقیق درباره فرهنگ مردم (فولکلور)، زبان کردی، و ادبیات داستانی در زبان فارسی معاصر علاقه شدید داشت و در ترجمه و معرفی آثار مثنوی و منظوم فارسی سهم درخور یافت. روژه لِسکُو در سال ۱۹۱۴، یعنی در آغاز جنگ جهانی اول، در فرانسه متولد شد و در ۴ فوریه ۱۹۷۵، پس از یک دوره بیماری سخت و طولانی، در پاریس درگذشت. وی در سال ۱۹۴۴، به عضویت وزارت امور خارجه فرانسه برگزیده شد (غفاری، ص ۹۳۱) و، در حدود سال ۱۹۵۴، در ردیف صاحب‌منصبان عالی‌رتبه آن وزارت جای گرفت (ماسه، به نقل از قائمیان، ص ۴۰). از دستاوردهای او در خاورشناسی گردآوری و چاپ متون کردی و ترجمه آثار و تألیف مقالاتی درباره ادبیات فارسی به ویژه ادبیات معاصر عموماً بی‌بدیل بوده است. وی، پس از تأسیس دوره آزاد زبان کردی به سال ۱۹۴۵ در مدرسه زبان‌های زنده شرقی^۲ (پاریس)، در این مرکز به تدریس آن زبان پرداخت. (نیکیتین، ص ۶۰۶؛ *JA*, t. 261, p. 132) روژه لِسکُو، در مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۴۷ انجمن آسیائی پاریس، به معرفی لویی ماسینیون^۳ و ژان سوواژه^۴، به عضویت این انجمن انتخاب شد. (*JA*, t. 235, p. 184)

1) Roger Lescot

2) École des langues orientales vivantes

3) Louis Massignon

4) Jean SAUVAJET

وی ظاهراً زبان‌های عربی و فارسی را در مدرسهٔ زبان‌های زندهٔ شرقی آموخت. در آن‌اوان، هانری ماسه^۵ زبان فارسی؛ موریس گودفروآ دومومبین^۶، بانی مطالعات فولکلوری و قوم‌نگاری، زبان عربی؛ ویلیام مارسه^۷، زبان عربی عامیانه؛ و آدریان بارتلمی^۸، زبان عربی شرقی در این مدرسه تدریس می‌کردند. پس از پایان جنگ اول، در سال ۱۹۲۰، سوریه و لبنان تحت قیمومیت فرانسه قرار می‌گیرند و لسکو، در حدود سال ۱۹۳۰، به قصد تحقیق در فولکلور، زبان، ادبیات، و تاریخ مذهبی کردها، به سوریه می‌رود (<http://de.wikipedia.org>). در فراگیری زبان کردی، آشنایی با زبان عربی به او کمک می‌کند. تقریباً از اوایل قرن بیستم، تحقیقات فولکلوری در فرانسه آغاز می‌شود. پی‌یر روندو^۹ و روژه لسکو، برای این تحقیقات، به سوریه اعزام می‌شوند. روژه لسکو، با هدف تحقیق میدانی دربارهٔ یزیدیان جبل سنجار و قصه‌های کردی به کار می‌پردازد. وی، در اثر خویش، تحقیق دربارهٔ یزیدیان سوریه و جبل سنجار^{۱۰}، منشأ اسلامی را برای یزیدی‌ها می‌پذیرد و به روشن شدن این نظر کمک مؤثر می‌کند (نیکیتین، ص ۴۷۵)؛ مع الوصف، بر آن است که، با فراهم آوردن مدارک کافی دربارهٔ فولکلور، نظرهای موجود دربارهٔ آیین یزیدی تغییر خواهد یافت (همان، ص ۴۷۹) و، از این رو، لازم است تحقیق دربارهٔ فولکلور کردها همچنان ادامه یابد (همان، ص ۵۳۲). در این مقطع، تداوم تحقیق دربارهٔ فولکلور کردها دل‌مشغولی لسکو می‌شود و او، در این راه، به نتایج خوبی دست می‌یابد.

اقامت لسکو در سوریه طولانی و پربار می‌گردد و نتایج تحقیقات او سال‌ها پس از درگذشتش منتشر می‌شود. انتشار مجموعهٔ تحقیقات فولکلوری او با عنوان متون کردی^{۱۱} شامل ترجمهٔ فرانسهٔ متون رویداد مهمی شمرده می‌شود (هدایت ۲، ص ۲۳). جلد اول این کتاب حاوی قصه‌ها و امثال است و هدایت «قصهٔ کدو»ی آن را به زبان فارسی

5) Henri Massé

6) Maurice Gaudetroy-Demombynes

7) William Marçais

8) Adrian Barthélemy

9) Pierre Rondot

10) *Enquête sur les yezidis de Syrie et du Djebel Sindjar*, Beyrouth-Paris, 193811) *Textes kordes*, Geuthner, Paris 1940-1942, 2 vol.

ترجمه کرده که در مجلۀ سخن (مهر ۱۳۲۵) چاپ و منتشر شده است (همان، ص ۲۰۳-۲۱۰؛ فرزانه، ص ۱۲۱). جلد دوم منظومۀ مفصلی است به نام مِمِه اَن. لسکو آثار دیگری در زبان و ادبیات کردی دارد که در زمان حیات یا پس از درگذشت او انتشار یافته‌اند. از آن جمله است: دستور زبان کردی: گویش کُرمانجی^{۱۲}؛ ادبیات کردی^{۱۳}؛ جَنگ اشعار عامیانه کردی^{۱۴} و مِمِه اَن^{۱۵} (از قصه‌های مندرج در متون کردی)، اثری گمنام متعلق به اواخر قرن چهاردهم میلادی که، در آن، داستان عشق‌های ناکام مَم و زین به صورت حماسه‌گیرایی وصف شده است. لسکو، در حدود سال ۱۹۳۰، از طریق سه تن حماسه‌سرای محلی به گردآوری سپس به ترجمه آن می‌پردازد.

لسکو، طیّ همین دوره اقامت، به ریاست پژوهشگاه فرانسوی در دمشق^{۱۶} (۱۹۴۲-۱۹۴۴) منصوب می‌شود. وی، سپس، به قاهره می‌رود و به سمت مستشار شرقی فرانسه مشغول خدمت می‌شود و، در همین شهر، با دکتر قاسم غنی، سفیر ایران در مصر، آشنا می‌گردد. (فرزانه، ص ۳۲۸)

دستاوردهای لسکو نشان می‌دهد که، هنگام اقامت در سوریه، به تحقیقات ایرانی هم توجه داشته حتّی، برای کسب اطلاعات درباره ادبیات فارسی معاصر، در سال ۱۳۱۶/۱۹۳۸ به ایران سفر می‌کند. در این ایام، چهره‌های شاخص در قلمرو ادبیات مُدرن فارسی سید محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت، و محمد حجازی بودند که با زبان فرانسه آشنایی داشتند و، از میان آنان، شهرت هدایت در فرانسه بیشتر بود. وی، احتمالاً در سال ۱۳۱۶، با لسکو آشنا می‌شود و خبر می‌یابد که او به مطالعه ادبیات نوین

12) *Grammaire kurde: dialecte kurmandji*, A. Maisonneuve, Paris 1970, en collaboration avec Djeladat Bedir Khan.

13) *Littérature kurde*, in *Encyclopédie de la Pléiade: Histoire des Littéraures*, Gallimard, Paris 1977, pp. 795-805.

14) *Anthologie de la poésie populaire kurde*, présentée par Gérard Chaliand, traductions de G.Chaliand et de R.Lescor, Stock, Paris 1980.

15) *Mamé Alan*, épopée kurde, Texte établi, traduit du kurde et présenté par R. Lescor, préface de Kendal NEZAN, Gallimard, Paris 1999.

16) Institut Français de Damas

فارسی علاقه‌مند است (www.Jose-Corti.f-r). بر اثر این آشنایی، لسکو به ترجمه بوف کور رومی آورد و آن را در سال ۱۹۴۲/۱۳۲۰ به پایان می‌رساند (Hedayat 2008, p. 18). ظاهراً او نسخه‌ای از بوف کور هدایت را، که در سال ۱۹۳۶/۱۳۱۵ در بمبئی چاپ دستی شده بود، در اختیار داشته که ترجمه خود را از روی آن انجام داده است. (← هویدا، ص ۲۹۱) لسکو، پیش از سفر به ایران، همکاری خود را با چند نشریه معتبر فرانسه آغاز کرده و در آنها تحقیقات و ترجمه‌هایی، از جمله «امثال و چیستان‌های کردی»^{۱۷}؛ «چند صفحه منتشر نشده از جامی»^{۱۸}؛ و «یادداشت‌هایی درباره مطبوعات ایرانی»^{۱۹} را منتشر کرده بود. وی این فعالیت علمی را با نوشته‌های دیگر چون «تجدد واژگانی در ایران»^{۲۰}؛ «رمان و داستان کوتاه در ادبیات معاصر ایران»^{۲۱}؛ و «جستار درگاه‌شمار اشعار حافظ»^{۲۲} ادامه می‌دهد. در این تاریخ، او به وضع ادبیات معاصر ایران به خوبی واقف بود. در این اوان، تحقیقات مبسوط نیکیتین^{۲۳} نیز در همین زمینه منتشر شده بود. ظاهراً لسکو، طی جنگ جهانی با فرانسویان هوادار دوگل مقیم ایران و ارگان آنها، فرانسه آزاد: ایران، همکاری داشت. ترجمه «رباعیاتی چند از جلال‌الدین رومی»^{۲۴} به قلم او در شماره ۹ مارس ۱۹۴۳ این نشریه به چاپ می‌رسد.

لسکو همچنان به تحقیقات خود درباره ادبیات فارسی ادامه می‌دهد. از او مقاله «فردوسی»^{۲۵} و نه غزل از حافظ^{۲۶} چاپ و منتشر می‌شود. وی، از حسن اتفاق با فریدون

17) "Proverbes et énigmes kurdes", *Revue des études islamiques (REI)*, t. 2, 1937, pp. 307-350.

18) "Quelques pages inédites de Djami", *Bulletin d'Études Orientales de l'Institut Français de Damas (BEOD)*, 7-8, 1937-38, pp. 177-194.

19) "Notes sur la presse iranienne", *REI*, t. 12, 1938, p. 261 et suiv.

20) "La réforme du vocabulaire en Iran", *REI*, t. 18, 1939, pp. 76-96.

21) "Le roman et la nouvelle dans la littérature iranienne contemporaine", *BEOD*, 9, 1942, pp. 83-101.

22) "Essai d'une chronologie de l'œuvre de Hafez", *BEOD*, 10, 1944, pp. 59-100.

23) Basile Nikitin

24) "Quelques ruba'iyat de Djatal al-Din Rumi", *Franco-Libre, Iran*, N° 9, Mars 1943, pp. 87-89.

25) "Ferdovsi", *Dictionnaire des auteurs*, vol. I, Paris 1953, pp. 507-509.

26) *Neuf gazels de Hafez*, Paris 1955.

رهنما، فرزند زین‌العابدین رهنما (مدیر روزنامه ایران)، و دوستان او آشنا می‌شود و، به تبع آن، با فیلمساز معروف، فرّخ غفّاری، نیز دوستی به هم می‌زند. او، در اردیبهشت ۱۳۳۹ آوریل - مه ۱۹۶۰، به سمت دبیر دوم سفارت فرانسه در تهران منصوب می‌شود و تا سال ۱۹۶۲ در این سمت خدمت می‌کند (غفّاری، ص ۹۳۱). در همین اوان، محمّد قاضی، مترجم معروف آثار داستانی از زبان فرانسه، به دیدن لسکو در سفارت می‌رود (قاضی، ص ۶۱۶). همچنین در همین ایام است که لسکو، با همکاری فریدون رهنما، مقاله «نویسندگان جوان ایرانی فرانسوی‌زبان» (Lescot et RAHNAMA 1961) را منتشر می‌کند. (Navvabi 1971, p. 108) →

در نامه‌نگاری‌های سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۹ ش هدایت و دوستش، حسن شهید نورائی، چندین بار از لسکو سخن به میان آید. وی قصد داشت ترجمه بوف کور را، برای چاپ و نشر، به ناشر معروف، برنار گراسه^{۲۷}، بسپارد (فرزانه، ص ۸۴ و ۲۴۱) و این به قدری جدّی شده بود که می‌خواست حق‌التّرجمه خود را به هدایت واگذار کند ولیکن با مخالفت هدایت روبه‌رو می‌شود (پاکدامن، ص ۱۰۸). در هر حال، لسکو همچنان در صدد بود که این ترجمه را به چاپ برساند. هدایت، که در جریان امر قرار گرفته بود، خواستار می‌شود که او، پس از «مرور» (همان، ص ۱۱۳)، داستان به زبان فرانسه لوناتیک^{۲۸} (دمدمی مزاج)، را به دنباله ترجمه بوف کور چاپ کند (همان، ص ۱۱۳ و ۱۲۲)؛ اما این خواسته ندیده گرفته می‌شود.

مشکل چاپ بوف کور، لسکو را به فکر مراجعه به دکتر قاسم غنی می‌اندازد که سفیر ایران در قاهره بود. لسکو، در آن وقت (سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸)، به سمت مستشار شرقی سفارت فرانسه در قاهره، مشغول خدمت بود. لسکو، در ملاقات با دکتر غنی، چاپ ترجمه بوف کور را مطرح می‌کند. غنی اظهار نظر خود درباره لسکو را چنین گزارش می‌کند: جوانی است، سی و چند سال عمر اوست. فارسی و عربی می‌داند. روح خیلی صافی ندارد و من، چون تأثر اولم از اشخاص خیلی برایم اهمیت دارد [و] به اشکال می‌توان آن تأثر را پاک کرد، فعلاً فکر خوبی از او ندارم... کتاب بوف کور صادق هدایت را به فرانسه ترجمه کرده و می‌خواهد چاپ کند. (فرزانه، ص ۳۳۸)

و، در ادامه، می‌نویسد: «راجع به اجازه طبع صحبت کرد. گفتم به خود آن پسره صادق هدایت بنویسد». (همان‌جا)

اما لسکو از یا نمی‌نشیند و موفق می‌شود ترجمه بوف کور را، در شماره‌های پیاپی مجله قاهره ۲۹، سال ۱۹۵۲، به چاپ برساند. ظاهراً فکر چاپ بوف کور به تصمیم حمید رهنما در روزنامه ایران به لسکو هم فکر چاپ ترجمه آن در مجله قاهره را القا کرده بود. پس از چاپ شدن ترجمه بوف کور در مجله قاهره، به سال ۱۹۵۳، به نفقه انتشارات ژوزف گرتی، ناشر معروف پاریس در دوره مقاومت فرانسه (فرزانه، ص ۳۶۰)، نقدهای جالبی درباره بوف کور و ترجمه آن منتشر می‌شود. فریدون هویدا اظهار نظر کرده که «انصافاً ترجمه فرانسه بوف کور از اصل فارسی آن بهتر است» و «هدایت بدون لسکو این مقام را در جهان پیدا نمی‌کرد» (هویدا، ص ۲۹۴) و این مؤید نظر صائب هانری ماسه است که، سال‌ها پیش از او، این ترجمه را با ترجمه شارل بودلیر^{۳۰} از آثار ادگار آلن پو^{۳۱} به طرز جالبی مقایسه کرده بود (قائمیان، ص ۴۰). از نیمه دوم قرن نوزدهم، ترجمه اثری متعلق به ادبیات معاصر ایران که، در آن، زبان زنده فارسی سهمی داشته باشد، از آرزوهای بزرگ ایران‌شناسان فرانسوی بود به این نیت که زبان فارسی رایج را بشناسانند. اغلب آنان به سراغ ترجمه‌های فارسی میرزا جعفر قراچه‌داغی از تمثیلات آخوندزاده می‌رفتند تا، از این طریق، حداقل نمونه‌ای از زبان فارسی عصر را نشان دهند. به همین دلیل، ژیلبر لازار^{۳۲}، که در سال ۱۳۲۷ به ایران آمد، هدفش را یادگیری «فارسی امروز» عنوان کرد (فرزانه، ص ۱۵۱). اما وقتی متن بوف کور در سال ۱۳۱۵ دست به دست گشت، لسکو تشنه ادبیات معاصر فارسی، بر اثر آشنایی با آن، با زبانی مواجه شد که تراوش قلم نویسنده‌ای نوظهور بود و تأثیر آن در جریان ادبی معاصر فصل جدیدی را رقم زد. هدایت، در بوف کور، بارها به «چشمهایش» اشاره داشت (هدایت ۱، ص ۲۱، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۵۷) و دوست مرید او، بزرگ علوی، اثر معروف خویش را چشمهایش (۱۳۳۱) عنوان داد (اکبری، ص ۱۲۹) و مریدی دیگر، در نگارش ملکوت (۱۳۴۰) از آن الگو گرفت. (همان‌جا)

29) *Revue du Caire*

30) Charles Baudelaire

31) Edgar Allen Poe

32) Gilbert Lazard

ظرافت‌های زبانی لسکو در ترجمه‌اش خواننده فرانسوی آشنا به آثار سوررئالیستی را به وجد می‌آورد. مترجم دارای سبک باوقاری است و به‌خوبی توانسته است تعبیرات و لطایف بیان نویسنده را به زبان فرانسه برگرداند. متن به‌تمامی فرانسه است جز آنکه گاه‌گذاری واژه‌های بومی زبان فارسی، همچون عبا، عبّاسی، عزرائیل، سیزده‌بدر، غلیان، چادر، درهم، و پیشیز، وارد متن شده و تعریف آنها نیز آمده است.

مترجم برای تعبیرات اصطلاحی نویسنده با مهارت درخور تحسینی معادل‌های مناسب یافته است. از جمله آنهاست: نان‌خور زیادی *une bouche inutile*؛ خنده دورگه *discordant*؛ الهیات *affinités spirituelles*؛ یارو *gaillard*. وقتی که فرزانه از هدایت می‌پرسد: از ترجمه لسکو راضی هست؟ (فرزانه، ص ۱۸۱)، وی پاسخ می‌دهد: «بد نیست، بعضی جاهایش را انداخته و طبق معمول بیشتر به فرم توجه داشته تا به فون (*fond*) [عمق مطلب]» (همان‌جا). در ادامه، لسکوئی خستگی‌ناپذیر «دو داستان کوتاه از صادق هدایت»، «محلّیل» و «زنی که مردش را گم کرده بود» را ترجمه می‌کند که با همان عنوان در مجله شرق به چاپ می‌رسد.^{۳۳}

توجه لسکو به شعر فارسی و به معروف‌ترین شعر نیما یوشیج، «افسانه»، نیز درخور توجه است. وی، به سال ۱۳۴۲، در مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسی به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولد هانری ماسه^{۳۴}، «افسانه»ی نیما یوشیج را ترجمه و، به همراه مقدمه فاضلان‌های، منتشر می‌کند؛ همچنین، در سال ۱۹۷۲، ترجمه «دو قصه از سعید نفیسی» به قلم او، در *جنگ ایران‌شناسی* به یاد سعید نفیسی^{۳۵}، چاپ و منتشر می‌شود. لسکو در سال ۱۹۶۲ به مقام سفیر فرانسه در اردن؛ سپس، در سال ۱۹۶۸، به مقام سفیر فرانسه در تایلند منصوب می‌شود (غفّاری، ص ۹۳۱). او، در این احوال، از فکر ادبیات فارسی و فرهنگ ایران فارغ نیست و، در سال ۱۹۶۴، در ترجمه منتخب اشعار فارسی (قرن‌های

33) "Deux nouvelles de Sadegh Hedayat", *Orient*, 8, 1958, pp. 119-54.

34) "Nima Yuchidj", *Mélanges d'orientalisme offerts à Henri Massé, à l'occasion de son 75 ème anniversaire*, Université de Téhéran, Tehran 1963, pp. 229-258

35) "Deux contes de Said Naficy", *Mélanges d'Iranologie en mémoire de feu Said Naficy, Revue de la Faculté des Lettres de l'Université Téhéran*, n°. 78, pp. 83-92.

۱۱-۲۰ م)، برگزیده ذبیح‌الله صفا^{۳۶} با ژیلبر لازار و هانری ماسه همکاری نظرگیری داشته که سهم او حدود یک سوم حجم اثر را در بر می‌گیرد. لسکو، علاوه بر این ترجمه‌ها، مقاله‌هایی درباره هدایت و ایران نوشته که به زبان فارسی ترجمه شده است. (حبیبی آزاد، ص ۲۰۱ و ۲۰۲)

لسکو، در حدود سال ۱۳۱۹/۱۹۴۱، در محفلی روشنفکری که هدایت پای ثابت و فرد شاخص آن بود بر خورده بود. وی، همچون کسانی دیگر از اعضای این محفل، از نیشخندهای هدایت مصون نمی‌ماند (فرزانه، ص ۱۷۶). اما هدایت، صرف نظر از این مطایبه‌ها، معتقد بود که لسکو «استعداد زبان دارد». (همان، ص ۸۴)

باری، لسکو پیوندهای عمیقی با ادبیات فارسی معاصر به‌ویژه چهره‌های شاخص آن، صادق هدایت و نیما یوشیج، برقرار ساخت و در راه معرفی آن به فرانسه‌زبانان خدمات ارزنده‌ای کرد.

منابع

- اکبری، علیرضا، «در ادبیات به لقمه بزرگ معتمد (گفت‌وگو با بهمن شعله‌ور درباره بحران هویت سبکی در داستان‌نویسی معاصر ایران)، ادبیات و سینما، سال ۹ (تابستان ۱۳۹۱)، ش ۳۳، ص ۱۲۷-۱۳۲.
- پاکدامن، ناصر، «مقدمه» بر هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورانی، پیشگفتار: بهزاد نوئل شهید نورانی، نشر علم، تهران ۱۳۸۲.
- حبیبی آزاد، ناهید، کتابشناسی صادق هدایت، نشر قطره - شهاب ثاقب، تهران ۱۳۸۶.
- غفاری، فرّخ، «وفات لسکو»، راهنمای کتاب، سال ۹ (۱۳۵۵)، ص ۹۳۱.
- فرزانه، م. ف.، آشنایی با صادق هدایت، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۰.
- قائمیان، حسن، درباره هدایت و هدایت از نگاه اروپائیان، ترجمه و تألیف، به کوشش ر. احمدزاده، نشر آزاد مهر، تهران ۱۳۸۴.
- قاضی، محمد، سرگذشت ترجمه‌های من، نشر ولایت، تهران ۱۳۷۳.
- نیکیتین، واسیلی، کرد و کردستان، چاپ دوم، نیلوفر، تهران ۱۳۶۶.
- هدایت، صادق (۱)، بوف کور، چاپ یازدهم، کتاب‌های پرستو، تهران ۱۳۴۴.
- (۲)، نوشته‌های پراکنده صادق هدایت، به کوشش حسن قائمیان، نشر آزاد مهر، تهران ۱۳۸۵.

36) *Anthologie de la poésie persane, XI^e-XX^e Siècle*. Textes choisis par. Z. Safa, traduits par G. LAZARD, R. LESCOT, et H. MASSÉ, Gallimard, Paris 1964 (collection Unesco).

هویدا، فریدون، «با صادق هدایت از کافه فردوس تا پاریس»، روی جادۀ غمناک (دربارۀ صادق هدایت)، گردآوری محمّد قاسم‌زاده، چاپ دوم، انتشارات کاروان، تهران ۱۳۸۷، ص ۲۸۷-۲۹۷.

BURRIN, Philippe (1997), *La France à l'heure allemande (1940-1944)*, Éd. du Seuil, Paris 1997.

HEDAYAT, Sadegh (2008), *La chouette aveugle*. Roman, traduit du persan par Roger Lescot, José Corti, Paris.

Journal Asiatique (JA) 1946-47, t. 235, "Assemblée... du 10 janvier 1947", p. 184.

— 1973, t. 261 (Numéro spécial), "L' Iran moderne", pp. 125-133.

LESCOT, Roger et RAHMANA, Fereydoun, "Jeunes écrivains iraniens d' expression française", *Orient*, 15, 1961, pp. 125-138; 17, 1961, pp. 125-138; 20, 1961, pp. 145-152.

NAVABI, Y.M. (1971), *A Bibliography of Iran*, Iranian Culture Foundation, Tehran, vol. 2.

Sitologie:

<http://de.wikipedia.org/wiki/Roger-Lescot> [en allemand]

www.Jose-Corti.fr/.../hedayat-farzaneh.html

